فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، سال هشتم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۷، صص ۱۲۰ - ۹۵

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۰۸۰۲۰۵

نسبت دگرگونی‌های منطقه غرب آسیا با امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

سروش امیری[1]
استادیار گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل دانشگاه علوم انتظامی امین

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۱/۱۹ **تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰٤/۰۵**

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

چکیده

زمینه و هدف: خیزش‌های مردمی کشورهای عرب مسلمان در سال۲۰۱۱ که با خیزش تونس‌ها آغاز گردید و سپس به واحدهای دیگر ازجمله مصر، بحرین و یمن گسترش یافت، دگرگونی‌های مهمی در محیط پیرامونی ج.ا.ایران محسوب می‌شوند که بر امنیت ملی کشورهای دیگر منطقه و ج.ا.ایران تأثیراتی اساسی دارد.

روش پژوهش: این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی تلاش دارد به بررسی فرصت ها و تهدیدهای تحولات کشورهای منطقه غرب آسیا برای امنیت ملی ج.ا.ایران بپردازد و در این راستا در صدد پاسخ به این پرسش است که تحولات منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا چه فرصت‌ها، چالش‌ها و تهدیداتی را برای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در پی‌داشته است؟

یافته‌ها: تحولات منطقه غرب آسیا به دلیل ویژگی‌های خاص خود همواره از مؤلفه‌های مهم اثرگذار بر امنیت ملی ایران بوده است، به‌رغم سبک‌ها و روندهای متفاوت، خیزش‌های مردمی در دو سطح دگرگونی‌های عمده‌ای را در سطح غرب آسیا و شمال افریقا ایجاد می‌کند. اول دگرگونی در ساختارها و نظام‌های سیاسی کشورها و ایجاد الگوهای نوین مشروعیت در سطح نظام‌های سیاسی و دوم ایجاد دگرگونی در سطح ساختار و توازن قدرت بین بازیگران منطقه‌ای . این دو سطح مؤلفه‌های امنیتی درون کشورها و ترتیبات سیاسی و امنیتی، اوضاع منطقه را برای ج.ا.ایران دگرگون می‌سازد و درنتیجه متغیرها و چشم اندازهای نوینی را در محیط امنیتی ایران بوجود می آورد. بر این اساس امنیت ملی ج.ا.ایران شاهد فرصت‌های (مثل، طرح و تقویت الگوهای نوین مشروعیت سیاسی ، تغییر نظام‌های سیاسی استبدادی به مردمی و هم‌چنین شکل‌گیری ترتیبات سیاسی و امنیتی جدیدی در سطح منطقه) و تهدیدهای مثل پر رنگ شدن سیاست‌های تخاصمی رقبای منطقه‌ای و جهانی.

واژه‌های کلیدی: امنیت، امنیت ملی، امنیت منطقه‌ای،تهدیدها، فرصت‌ها،جمهوری اسلامی ایران

1. suroush.jnu@gmail.com

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-17]

مقدمه

بررسی جامعه شناختی تحولات غرب آسیا به ویژه پس از حملات ۱۱ سپتامبر که دگرگونی‌های سیستم امنیت و نوع ارتباطات خارجی دولت‌ها و بازیگران منطقه‌ای را به‌دنبال داشته از جمله مسائل مهمی به شمار می‌رود دگرگونی‌هایی که در سال ۲۰۱۰ در کشورهای غرب آسیا آغاز شد، نمادی از جنبش‌های اجتماعی است که بیشتر بر اساس گفتمان دینی و نشانه‌های اسلام‌گرایی شکل گرفته است. این امر ظاهرا انعکاس انقلاب اسلامی در غرب آسیا تلقی می‌گردد(متقی، ۱۳۹۰: ١٦٤). قیام‌های مردمی کشورهای عرب مسلمان، کشورهای غرب آسیا را مجبور به ارزیابی مجدد حکومت و ساختار دولت کرده است و به زعم بسیاری از تحلیل‌گران جنبش‌های اخیر غرب آسیا با انقلاب ۱۳۵۷ ایران در ارتباط است و این حرکت را الهام گرفته از انقلاب ایران می‌دانند(دارینی[1]،۲۰۱۱: ۱۳). در واقع بیداری اسلامی به عنوان یک پدیده متأثر از یک جنبش اجتماعی(جمهوری اسلامی) و سازمانی ظاهر شده است. انقلاب اسلامی عامل عمده بیداری اسلامی و نقش ویژه‌ای در روند بیداری ملت‌های مسلمان ایفا کرده است. این جنبش تحت تاثیر انقلاب ایران و ایدئولوژی اسلامی ایران می‌تواند به گسترش روی کار آمدن هویت‌های مذهبی در کشورهای غرب آسیا و نفوذ بیشتر جمهوری اسلامی ایران منجر شود(نوردلند؛کرک پاتریک[2]،۲۰۱۱: ۹).

بسیاری از کارشناسان داخلی و خصوصا خارجی، قیام‌های شکل گرفته را(در تونس، لیبی، یمن و به ویژه مصر) متأثر از انقلاب اسلامی ایران می‌دانند؛ در آغاز تحولات منطقه روزنامه آمریکایی «واشنگتن تایمز» می‌نویسد که امام خمینی(ره) همچنان در حال کاستن از قدرت آمریکاست و جنبش‌ها و قیام‌های پی در پی همانگونه که به منافع آمریکا آسیب زده است، نفس‌های اسرائیل را نیز به شماره انداخته است؛ این روندها، موضوع پیش روی را کشاکش دو قدرت متفاوت و نبرد گفتمانی میان جمهوری اسلامی ایران و آمریکا می‌باشد(سروش و اصغری، ۱۳۹۰: ۱۵۰).

رخدادهای که در اواخر سال ۲۰۱۰ به وجود آمد و اکنون نیز همچنان وضعیت این منطقه را، در حالتی سیال قرار داده و آتشی که توسط یک جوان تونسی روشن شد همچنان می‌سوزد و چهره این منطقه از جهان را که به عقیده برخی از نظریه‌پردازان قلب جهان

1. Dareieni
2. Nordland and Kirkpatrick

فصلنامه علمی -پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-17]

می‌باشد با دگرگونی روبرو کرده است؛ لذا به نظر می‌رسد تنها نظریه‌ای که پاسخگوی ابهامات در این منطقه است، نظریه واقع‌گرایی در قالب رویکردهای امنیتی آن می‌باشد. چرا که بازیگران در این منطقه از گذشته تاکنون بر اساس منطق خود ایفای نقش می‌کنند. لیکن به نظر می‌آید که این تحولات عمیق در بلندمدت حتی چهره جغرافیای سیاسی- جغرافیای راهبردی منطقه را دگرگون خواهد نمود؛ علاوه بر این دگرگونی‌ها بستر خاصی را برای نقش‌آفرینی بازیگران مختلف منطقه‌ای را فراهم نموده که در این بین عربستان سعودی، امارات و ترکیه از جمله بازیگرانی هستند که نقش پررنگی در بحران‌های اخیر منطقه داشته‌اند. به باور عده از کارشناسان این طیف به دنبال تضعیف ارتش‌های مؤثر کشورهای عربی غرب آسیا بوده که از جمله می‌توان به ارتش سوریه و مصر اشاره کرد و در سناریوی نهایی که برنامه‌ریزی شده است در پی کنار گذاشتن جمهوری اسلامی ایران به عنوان واحد انقلابی در جهان هستند. بر این اساس بحران‌ها در حال دگرگون ساختن شرایط و نظام سیاسی و امنیتی منطقه غرب آسیا هستند و این دگرگونی‌ها منافع و امنیت ملی ج.ا.ایران را تحت تاثیر قرار می دهد؛ لذا هر چندکه بحران‌های کشورهای منطقه از جمله مصر، بحرین، یمن و سوریه را در بر گرفته است ولی به رغم برخی ویژگی‌های مشترک و مشابه در هر یک از حوزه‌ها از مشخصه‌های خاص خود برخوردار بوده بنابراین با توجه به اهمیت قیام‌های کشورهای عرب مسلمان، پیامدهای آن برای امنیت ملی کشور و همچنین نقش بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای رقیب ایران در این بحران‌ها مهم تلقی شده است لذا مقاله تلاش دارد به بررسی فرصت ها و تهدیدات قیام مردم این منطقه برای امنیت ملی ج.ا.ایران بپردازد . در شرایط حاضر، کشورهای عربی با بحران‌های روبرو هستند که ویژگی‌های خاص خود را دارند و روندهای کنونی، تعیین کننده وضعیت آینده منطقه است. ظهور انقلاب‌های مردمی با ویژگی‌هایی مانند عدم خشونت، تأکید بر حقوق مردم، فقدان رهبری کاریزماتیک، اراده و جدیت مردمی، غیرایدئولوژیک بودن و مطالبه محور بودن، نشان دهنده حرکت‌هایی متفاوت از گذشته است که شرایط سیاسی و امنیتی منطقه را شکل خواهد داد. در مورد آینده منطقه غرب آسیا، با توجه به تحولات جدید و ویژگی‌های خاص خود، از یک سو به مسائل و چالش‌های داخلی و از سوی دیگر به دسته‌بندیهای منطقه‌ای و شرایط بازیگران می‌توان تمرکز نمود.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-17]

چهارچوب‌نظری

تعریف مفاهیم.مفهوم امنیت ملی،با بسترهای متفاوت سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، قضایی و... همانند بسیاری از مفاهیم علوم انسانی و سیاسی به لحاظ کیفی بودن فاقد تعریف مشخص و دقیق است(ساعی،۱۳۹۰:۱٦٤). رابرت‌ماندل معتقد است که امنیت ملی شامل تعقیب روانی مادی ایمنی است و جزء مسئولیت حکومت‌های ملی است، تا از تهدیدات مستقیم ناشی از خارج، نسبت به بقای رژیم‌ها، سیستم شهروندی و سبک زندگی شهروندان خود ممانعت به عمل می‌آورند(ماندل،۱۳۷۸:٤۳). در کل می‌توان چنین به جمع‌بندی رسید که امنیت ملی عبارت است از توانایی جامعه در جهت تأمین و صیانت از موجودیت فیزیکی، روانی، زیستی، معیشتی، فرهنگی و ارزشی مردم، سرزمین و نظام سیاسی و ارتقاء و بهینه‌سازی آن و تعقیب و رسیدن به هدف‌ها و منافع ملی در فرایند جنگ و صلح در قبال تهدیدات عوامل خارجی و داخلی(ناجی‌راد،۱۳۸۷:۱٤٤).

مفهوم امنیت منطقه‌ای،با بررسی نظریه‌های موجود، فقط تعریفی منطقی می‌توان ارائه کرد که عبارت است از اینکه امنیت منطقه‌ای مجموعه تمام تصورات و تعبیرات از امنیت ملّی است که اعضای یک سیستم منطقه‌ای در زمانی مشخص آن را اجرا می‌کنند. لذا، امنیت یا عدم امنیت منطقه‌ای می‌تواند از مجموعه‌ای سطوح کشمکش در یک منطقه، اعتبارات نظامی و نهادها و اتحادیه‌ها ائتلاف‌های جمعی به وجود بیاید(افتخاری،۱۳۸۱:۲٦٦).

پیشینه پژوهش

از جمله برخی از کتاب‌ها و مقاله‌هایی که دوران پیشین غرب آسیا را در حوزه‌های بیان شده مورد وارسی قرار داده اند مانند:

«حقوق بشر و غرب آسیا» کتابی است که توسط مهدی ذاکری(۱۳۹٤) در مرکز پژوهشهای علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه به رشته تحریر در آمده است. ذاکریان در اینجا حقوق بشر را در مقوله سیاست‌های نه نرم‌افزاری بلکه سخت افزاری تلقی می‌کند و می‌نویسد که امنیت و جنبه‌های حقوق بشری باید برابر هم نهاده شوند. آنچه ذاکریان به آن نمی-پردازد مسئله «امنیت بشری» است یعنی این موضوع چطور با مفهوم گسترده‌تر امنیت ملی مرتبط می‌شود. توجه ویژه نویسنده از ایجاد یک سند و سیستم منطقه‌ای حقوق بشری نقطه قوت

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-17]

است، اما اینکه چطور و چگونه همچین نظامی بایستی سازماندهی شود و چه اقداماتی بایستی برای رسیدن به این هدف اتخاذ شوند مورد توجه و بررسی واقع نشده است.

کتاب «غرب آسیا یا خاور میانه جدید: نظریه و عمل» هالیدی و بوزان (۱۳۹۰)، ، که مترجمش عسگر قهرمانپور می‌باشد یکی دیگر از اثرات مهم پیرامون غرب آسیا است مجموعه مقالاتی است که در دو بخش نظری و عملی، تحولات و موضوعات مهم غرب آسیا را بعد از جنگ سرد تا به امروز مورد بررسی قرار می‌دهد. کتاب "غرب آسیا یا خاورمیانه جدید نظریه و عمل" کمک می‌کند توجه عمیق به آینده منطقه بعد از قیام مردم مسلمان داشته باشیم. این کتاب هدف مهمی را دنبال می‌کند. تلاش شده تا تحولات غرب آسیا بعد از جنگ سرد به صورت عمیق بررسی شوند. هرچند تاریخ تحریر مقالات به یک یا دو سه سال قبل از روی دادن تحولات اخیر بازمی‌گردد.

نظام‌های منطقه‌ای ؛ امنیت سازی در جهان نوین، لیک و مورگان (۱۳۸۱)، که مترجمش سید جلال دهقانی فیروزآبادی می‌باشد که در مطالعه مجموعه‌های امنیت منطقه‌ای از نظریه کپنهاگ و مجموعه امنیتی منطقه‌ای بوزان و نظریه‌های لیک و مورگان استفاده شده است. زیرا آنها نیز این نظریه را نقطه شروع حرکت خود قرار داده و می‌کوشند بطور خاص مناطق امنیتی تعریف شده از جمله غرب آسیا را مورد بررسی قرار دهند. لیک و مورگان این ادعا را دنبال می‌کنند که چرا در دوران پس از جنگ سرد احتمال افزایش اهمیت منطقه‌ای بیشتر است. اما از منابع انگلیسی نیز میتوان به موارد ذیل اشاره نمود :

کتاب «به سمت رژیم امنیت منطقه‌ای برای غرب آسیا»[1] به این نتیجه رسیده که غرب آسیا به عنوان سیستم منطقه‌ایی برای مذاکره و گفت‌وشنود و همکاری در مورد مسائل امنیتی نیاز اساسی دارد. نظام مورد نظر در چهار قسمت بررسی می‌شود، مفاهیم اولیه : امنیت جامع؛ همکاری امنیتی؛ نظام امنیت منطقه‌ای؛ عوامل تشکیل‌دهنده نظام امنیت منطقه‌ای برای غرب آسیا: ابعاد سیاسی و نظامی آن؛ مسائل توسعه‌ای، اقتصادی و اجتماعی اثرگذار بر منطقه؛ اعتمادسازی و کنترل تسلیحات در نظام امنیت غرب آسیا؛ راهی پیش رو؛ آمادگی‌های لازم برای ایجاد سیستم امنیت غرب آسیا.

کتاب «آینده محیط امنیتی در غرب آسیا» که توسط مؤسسه رند[2] منتشر شده است.

1. Towards a regional security regime for the Middle East
2. Rand Institute

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-17]

نویسندگان می‌نویسند که آمریکا برای مقابله با این تحولات به‌ویژه پس ازواقعه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ تصمیم به انجام اصلاحات سیاسی و اقتصادی در این منطقه گرفت. این اثر با اشاره به گرایش‌های نوظهور و احتمال افزایش بی‌ثباتی در منطقه مطرح می‌کندکه در آینده قابل پیش‌بینی، چشم‌انداز امنیت سیاسی در منطقه غرب آسیا چگونه خواهد بود؟ در این اثر تمایلات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی موجود در غرب آسیا جهت پیش‌بینی تهدیدات امنیتی منطقه و اثرات احتمالی آنها بر آمریکا صورت گرفته است.

کتاب «بیداری اعراب؛ آمریکا و دگردیسی غرب آسیا»[1] که توسط مؤسسه بروکینگز[2] در تحلیل تحولات غرب آسیا انتشار یافته است. این اثر مجموعه‌ای از مقالات تحلیلی به نویسندگی هجده کارشناس برجسته مسائل غرب آسیا است که تلاش نموده‌اند رخدادهای غرب آسیا و شمال آفریقا را به مثابه مهم‌ترین تغییر ژئوپلیتیک سال‌های اخیر مورد بررسی قرار دهند. این پژوهشگران در تحلیل‌های خود به دنبال پاسخ به پرسش‌های از این دست بوده‌اند: این جنبش‌ها چگونه به‌وجود آمده‌اند؟ با این تحولات آینده منطقه و برای آمریکا و دیگر کشورها چگونه خواهد بود؟

جواد علی پور، سجاد قیطاسی،(۱۳۹۶).در مقاله می‌نویسدکه «آینده پژوهی بحران سیاسی–امنیتی سوریه بر پایه سناریو نویسی» سه دسته سناریو شامل سناریوهای مطلوب، محتمل و ممکن را می توان برای آینده سوریه ترسیم کرد. بنابراین، در قالب این سه دسته، پنج سناریو، یعنی نابودی داعش و دیگر گروه های مخالف حکومت بشار اسد، تداوم جنگ داخلی، تجزیه سوریه، سقوط حکومت بشار اسد و شروع یک جنگ منطقه ای پیش بینی می شود. مطلوب ترین سناریو برای آمریکا و متحدان داخلی، منطقه ای و بین المللی آن، سقوط حکومت بشار اسد است که برای رسیدن به این مهم در مقابل حامیان اصلی بشار اسد (ایران و روسیه) از تمام اهرم ها بهره می برند.

رضا اختیاری امیری(۱۳۹۷).در مقاله «تاثیر شکنندگی دولت سوریه در تغییر تعاملات امنیتی خاورمیانه» بحران داخلی سوریه موجب گردید تا یک جنگ نیابتی شدیدی بین عربستان و ایران در این کشور شکل بگیرد. علاوه بر این، همسویی منافع استراتژیک ترکیه، عربستان و اسراییل در سوریه، سبب شکل گیری ائتلافی ترکی–عربی–عبری در منطقه گردید.

1. Goldstone (2011).The Arab Awakening; America and the Transformation of the Middle East
2. Brookings Institution

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-17]

همین موضوع اولویت تهدید زا بودن رژیم صهیونیستی را در منطقه کاهش داده و نهایتاً منجر به افزایش نسبی امنیت آن رژیم گردید. تحولات سوریه بر بازیگران غیردولتی نظیر جنبش حماس و حزب الله لبنان و کنش های امنیت محور آن ها نیز تاثیرگذار بوده است.

سید محمدموسوی(۱۳۹۷).در مقاله "واقع گرایی ساختاری و جایگاه سوریه در سیاست‌های منطقه ای ایران و روسیه می‌نویسدکه با توجه به موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک خاص سوریه، تحولات سوریه، زمینه مساعدی را برای برجستگی عینی نقاط اشتراک ایران و روسیه در قبال تحولات بین المللی و منطقه خاورمیانه فراهم ساخته است. هر دو کشور به دلایل مختلف تاریخی، ژئوپلیتیکی و حفظ منافع و امنیت ملی خود با گسترش حوزه نفوذ سیاسی، اقتصادی و نظامی جهان غرب در مناطق پیرامون خود مخالف هستند و نقش بسزایی در شکل گیری سوریه جدید دارند.این مقاله با استفاده از روش توصیفی- تحلیلی سرانجام یافته است.

مبانی نظری

رئالیست‌ها از سیاست جهان تصویر نسبتاً مبهمی ارائه می‌دهند از نگاه آنها، سیستم بین‌الملل میدان کارزار است و در آن، واحدهای بازیگر با بی‌رحمی در پی فرصت‌هایی برای بهره‌کشی از یکدیگرند که در آن اعتماد جایگاهی ندارد و نیز زیست بشری اساساً مبارزه برای قدرت است و هرکدام از واحدها نه تنها تلاش می‌کنند قوی‌ترین بازیگر نظام باشند، بلکه سعی دارند مطمئن شوند که هیچ کشور دیگری به آن موقعیت رفیع دست نمی‌یابد. در این خصوص باری بوزان دو حوزه مطالعات راهبردی - امنیتی[1] را از همدیگر جدا می‌سازد و امنیت را در قالب پژوهش‌های راهبردی قرار می‌دهد. از نظر بوزان پژوهش‌های راهبردی مربوط به بررسی نقش نیروهای نظامی در نظام بین‌الملل است. بوزان پژوهش‌های راهبردی را زیرمجموعه پژوهش‌های امنیتی و پژوهش‌های امنیتی را نیز زیرمجموعه روابط بین الملل قرار می‌دهد که این طبقه‌بندی از سه عنصر نشأت می‌گیرد؛ در درجه اول، امنیت را صرفا در محور نظامی نمی‌داند و آن را به پنج بخش توسعه می‌دهد؛ در درجه دوم، دولت قوی را مرجع امنیت می داند؛ در درجه سوم، به‌کارگیری زور را به علت وضعیت آنارشی‌گونه سیستم بین الملل معتبر می‌داند. براین اساس رئالیسم هر نظریه امنیتی را شامل برخی مولفه‌ها از جمله

1. Security Studies

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-17]

مفهوم امنیت، مرجع امنیت، سطح امنیت و روش‌های کسب امنیت می‌داند و ارتباط مستقیم میان راس هرم دکترین امنیت ملی و نظریه امنیتی به معنای پذیرش ارتباط میان مکتب سیاسی و ایدئولوژیک مسلط با هستی شناسی نظریه امنیت می‌داند و برای آن اهمیت قائل است.

رویکرد ترکیبی ارائه‌شده از سوی نظریه‌پردازان این بخش برای پژوهش امنیت ملی کشورهای غرب آسیا، ازجمله برای تحلیل و توصیف امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران است. هدف این رویکرد ترکیبی ارائه‌ی یک پارادایم یا مدل امنیت ملی است که در آن با توجه به واکنش و کنش متغیرهای کوچک امنیت ملی تغییر می‌یابد(مارتین،۱۳۸۳:۳۸)

در این رویکرد، امنیت ملی عبارت است از توانایی یک دولت در اعمال یا جلوگیری از تهدید نسبت به سه مؤلفه زیر:

الف: اعمال تهدید یا جلوگیری از تهدید نسبت به تمامیت ارضی؛ ب: اعمال تهدید یا جلوگیری از تهدید نسبت به جامعه؛ ج: اعمال تهدید یا جلوگیری از تهدید نسبت به حکومت؛

ازاین‌رو بر اساس دو مورد زیر می‌توان اذعان داشت که یک کشور از امنیت بیشتر یا کمتر برخوردار است:

– گستردگی تهدیدهایی که متوجه سه عنصر سرزمین، جامعه و حکومت سیاسی است؛

– میزان توانایی دولت برای اعمال یا جلوگیری از تهدید نسبت به سه عنصر بالا.

متغیرهای اصلی که به دولت امکان بازدارندگی در قبال این تهدیدها را می‌دهد شامل پنج متغیر مستقل در پارادایم امنیت ملی است این رویکرد عبارت‌اند از: قابلیت نظامی، مشروعیت سیاسی[1]، تساهل قومی و مذهبی، توانایی اقتصادی و دسترسی به منابع حیاتی که رویکرد ترکیبی دولت را به‌عنوان سطح تحلیل اساسی در نظر می‌گیرد، چراکه دولت در نظام بین‌المللی به‌طور اعم و در منطقه‌غرب آسیا به‌طور ویژه مهم‌ترین واحد عمل‌کننده در نظر گرفته می‌شود. هم‌چنین دولت کانون اصلی سیاست‌گزاری در مورد مسائل مربوط به امنیت ملی به شمار می‌رود، براین اساس هدف اصلی تهدیدهای امنیت ملی دولت است. در رویکرد ترکیبی مفاهیم کلیدی شامل دولت، سرزمین، حکومت و جامعه است (مارتین، ۱۳۸۳: ۵۲). معذالک چنانچه عناصر داخل فرمول ذکرشده را به صورت یک به یک بررسی کنیم، داده‌های ثابت مؤلفه‌های موجود و واقعی یک کشورند که تغییر آن‌ها باارادهی آن کشور در کوتاه‌مدت

1. Political legitimacy

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

سال هشتم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۷

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-17]

و در میان‌مدت امکان‌پذیر نخواهد بود. اما این وضعیت به این معنا نیست که عناصر مورد نظر نمی‌توانند سنگینی موازنه قدرت کشورها را تغییر دهند. نمونه عملی این فرمول اکنون در منطقه غرب آسیا بعد از بیداری اسلامی قابل مشاهده است؛ لیکن بحران سوریه سبب شده است شرایط متغیر منطقه‌ای و نوع پاسخ قدرت‌های بزرگ به تحولات منطقه‌ای موجب گردد، که بعضی از بازیگران منطقه‌ای عناصر ثابت و پویا را به عنوان یک پشتیبان و حامی برای یک سیاست پویا تبدیل نمایند(داوداغلو،۱۳۹۱:۳۳).

تحلیل یافته‌ها:

پویش‌های سیستمی در غرب آسیا

بر اساس رئالیسم، سطح سیستمی تعیین‌کننده چیزی است که دولت می‌تواند انجام دهد و این سطح با موقعیت یک دولت (داده‌های ثابت) در توزیع قدرت (داده‌های بالقوه) آغاز می‌شود. علاوه بر این واحدهای دولتی دارای سازوکارهای تعادلی درونی هستند که معمولاً آن‌ها را در مقابل خواسته‌های تجدیدنظر طلبانه حفظ می‌نماید. به گفته‌ی روستو[1] «در حالی که خیلی از دولت‌های غرب آسیا به تنهایی جاه‌طلبی‌هایی را در خود رشد می‌دهند، اما در کل، به سبب اینکه جانب ضعفا را می گیرند و نیز به دلیل آمادگی برای تغییر اتحادها بدون توجه به ایدئولوژی، از وضعیت موجود پشتیبانی می کنند...؛ بدین صورت این سیستم از ویژگی تعادل‌بخشی بهره می‌گیرد(روستو،۱۹۸٤: ۵۹۸).»[2] این توازن‌بخشی بستگی به بازیگران دولتی دارد که قائل به منطق دولت، در سنت رئالیسم می‌باشند که عنصری عقلانی به حساب می‌آید. این امر با اتخاذ اهداف رئالیستی (اولویت توازن قدرت بر ایدئولوژی) و گسترش توانایی‌ها با وارد شدن در اتحاد علیه واحدهای ملی تهدیدکننده، انجام می‌پذیرد؛ بنابراین جمهوری اسلامی ایران نیز در تصمیم‌سازی‌های امنیتی در بعد داخل و بیرونی که ارتباط مستقیمی با کلیت یکپارچه کشور دارد به واقعیت‌های قدرت خود در منطقه توجه می‌نماید.

واهمه امنیتی و امنیت طلبی

مهم‌ترین عنصری که دولت‌ها را به امنیت‌خواهی در سیاست خارجی وادار می‌کند، عدم

1. Rustow
2. rustow

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-17]

اعتماد از انگیزه‌ها و نیات و عملکرد دیگر واحدهای بین‌الملل است(بن ایژاک،۲۰۱۱: ۳۱۷).[1] دیگر اینکه، اصلی‌ترین ارجحیت و هدف واحدهای ملی در سیستم بین‌الملل هرج و مرجی تأمین امنیت و بقاست. چراکه نبود حکومت مرکزی جهانی که منافع اصلی دولت‌ها را تأمین نماید لذا این واحدها مجبورند امنیت و ماندگاری خویش را به شکل خودیار[2] تضمین کنند. در این اوضاع و احوال دولت‌ها تهدیدات بالقوه‌ای محسوب می‌شوند و هیچ هژمونی وجود ندارد که دولت‌های مورد تهدید و تجاوز را نجات دهد؛ پس واحدهای دولت–ملت نمی‌توانند برای تأمین امنیت خویش به سایرین، اتکاء نمایند (مرشیمر،۲۰۰۱: ٤٤)[3]. با این توضیح با فروپاشی رژیم صدام حسین و حضور شیعیان در ساختار سیاسی عراق، موج جدیدی از شیعه هراسی و ایران هراسی از سوی ایالات متحده و برخی کشورهای سلطانی و مورثی همانند عربستان سعودی به راه افتاد. در پی‌بیداری اسلامی و موج خیزش‌ها در کشورهایی چون بحرین و یمن که جمعیت شیعه مذهب دارند، بار دیگر بسیاری از کشورهای مورثی در منطقه خلیج فارس چنین القا کردند که ریشه این اعتراضات، دخالت و حمایت ایران از شعیان این کشورهاست که حاکمان سنی مذهب دارند. لذا آمریکا با ایجاد ایران هراسی به صادرات تسلیحات و حضور سیاسی و نظامی خویش در منطقه غرب آسیا، افزود (دهقانی فیروزآبادی و فرازی، ۱۳۹۱: ۱۸٤).

شرایط محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران قبل از تحولات ۲۰۱۱

تحولات بعد از یازده سپتامبر و به‌خصوص حمله امریکا به دو کشور همسایه افغانستان و عراق به شکل‌گیری مؤلفه‌های نوینی در محیط پیرامونی ج.ا.ایران انجامید که به‌صورت همزمان فرصت‌ها و تهدیداتی را برای امنیت ملی کشور به همراه داشت. ورود ایالات متحده و ناتو به افغانستان به حذف رژیم طالبان به‌عنوان تهدید امنیتی مهمی برای ج.ا.ایران انجامید و فرصت‌هایی را برای نفوذ و نقش‌آفرینی ایران در این حوزه ایجاد کرد. بااین‌حال حضور نیروهای غربی در افغانستان و تأثیرگذاری‌های آن‌ها بر روند سیاسی و امنیتی این کشور به شکل‌گیری تهدیدات جدیدی برای ایران منجر شد. اشغال عراق از سوی ایالات متحده نیز

1. Ben- Itzhak
2. Self - help
3. mearshimer

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-17]

دربردارنده تهدیداتی برای امنیت ملی ج.ا.ایران بود، بااین‌حال به نظر می‌رسد گذشت زمان روشن کرده باشد که تغییر حکومت در عراق درنتیجه حمله امریکا فرصت‌های بسیار مهم‌تری را برای ج.ا.ایران ایجاد نمود و به‌خصوص باعث حذف حکومت بعث به‌عنوان تهدید امنیتی[1] مهم و شکل‌گیری نظام سیاسی مردم‌سالار جدیدی شد که با ایجاد روابط متعادل با ایران به تغییر توازن قدرت منطقه‌ای به نفع ایران انجامید. بعد از واقعه ۱۱ سپتامبر علاوه بر بحران‌های افغانستان و عراق ، مجموعه تحولاتی در لبنان و فلسطین به وقوع پیوست که به شکل‌گیری فرصت‌هایی برای ج.ا.ایران در منطقه غرب آسیا انجامید. گسترش نقش‌آفرینی قدرتمند جبهه مقاومت در جنگ‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۸۷ در مقابل رژیم صهیونیستی اسرائیل ازجمله تحولاتی بود که توازن قدرت منطقه‌ای را به نفع ج.ا.ایران در غرب آسیا افزایش داد. و نیز بعد از یازده سپتامبر ائتلاف‌های منطقه‌ای وارد مرحله و شکل جدیدی شد:۱- محور مقاومت به رهبری ج.ا.ایران؛۲- محور حکومت‌های محافظه‌کار مورثی به رهبری عربستان سعودی (دهقانی فیروزآبادی و فرازی، ۱۳۹۱: ۹۲).

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

اثرگذاری دگرگونی‌ها در کشورهای عربی بر امنیت ج.ا.ایران

بستر خیزش‌ها در غرب آسیا و شمال آفریقا، به متغیرهای مختلفی به‌ویژه فضای سرکوبگر و تمامیت خواهی حکومت‌ها، معضلات و چالش‌های اقتصادی مردم و حتی جهت‌گیری‌های سیاست خارجی دولت‌های آنان، نسبت داده می‌شود. مسائلی که در شعارهای مردم در اعتراضات و مطالبات گروه‌های سیاسی نیز آشکار است. مهم‌ترین مطالبات مردم معترض و گروه‌های سیاسی مخالف در حکومت‌های مستبد و فردی کشورهای عربی شامل کنار رفتن حاکمان اقتدارگرای از قدرت، اصلاح قانون اساسی و برگزاری انتخابات آزاد و دموکراتیک، فضای باز سیاسی و آزادی بیان و اصلاحات اقتصادی بود. بروز انقلاب‌های مردمی و ضداستبدادی در کشورهای عربی متحد غرب، تقویت موقعیت ژئوپلیتیکی ج.ا.ایران را در برابر رقبای منطقه‌ای خود، به عنوان یکی از مهمترین پیامدهای این تحولات قلمداد می‌شود، تحولی که متاثر از ساختار معنایی منبعث از انقلاب اسلامی و تعاملی است که این ساختار با جنبش‌های دنیای عرب ایجاد کرده است(عباسی‌اشلقی، ۱۳۹۱: ۲۵). بدین صورت

1. Security threat

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-17]

می‌توان اذعان کرد که اکثر خیزش‌های مردم در کشورهای عربی با امنیت ملی ج.ا.ایران مرتبط می‌باشد، ولی میزان ارتباط و اثرگذاری این بحران‌ها بر امنیت ملی ایران متفاوت هستند که شامل:

– **اول،** بحران کشورهای عربی که در جوار نزدیک امنیتی ج.ا.ایران مانند بحرین یا عراق به وقوع پیوسته‌اند بیشتر و ملموس‌تر امنیت ملی ج.ا. ایران را تحت تأثیر قرار می‌دهند.

– **دوم،** بحران‌هایی که در حوزه راهبرد امنیتی ج.ا. ایران قرار می‌گیرند که باسیاست‌های امنیتی غرب آسیایی ایران ارتباط تنگاتنگ ژئوپلیتیکی و راهبردی دارند(تحولات مصر، سوریه و یمن)؛

– **نکته آخر،** آن شکل از بحران‌های امنیتی فاصله‌دار (سوریه، لیبی و تونس در شمال افریقا) که دارای حساسیت بالا می‌باشند؛ مثل جریان‌های تکفیری که در سوریه منافع جمهوری اسلامی ایران را به خطر انداخته‌اند به‌وسیله منابع مالی قطر و عربستان سعودی تأمین می‌شود(گزارش تونس، مرکز پژوهش‌های مجلس،۱۳۹۳).

فرصت‌های اثرگذار به امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

بحران در کشورهای عربی به‌رغم برخی چالش‌ها برای امنیت ملی ج.ا.ایران که عمدتاً به دوره زمانی کوتاه‌مدت مربوط است، در میان‌مدت و بلندمدت با گسترش و تعمیق دگرگونی‌های منطقه‌ای، فرصت‌ها و منافع امنیتی مهمی برای کشور خواهند داشت. یکی از اهداف تحولات اخیر در منطقه، اصلاح ساختار سیاسی به منظور افزایش مشارکت و آزادی‌های سیاسی و اجتماعی در کشور است (پیلر،۲۰۱۱: ۲۰)[1]. بنابراین ایجاد سیستم‌های بر پایه مردم‌سالاری ، نه تنها می‌تواند ضریب امنیت سیاسی ج.ا.ایران در منطقه و جهان بیفزاید، بلکه زمینه را برای همکاری گسترده‌تر میان جمهوری اسلامی و دولت‌های انتخابی در کشورهای عربی فراهم می‌آورد، البته در صورتی که دخالت‌های همه جانبه اوضاع را تغییر ندهند.

تضعیف جایگاه و سیاست‌های رژیم صهیونیستی اسرائیل

با بررسی الگوهای مشروعیت سیاسی در منطقه غرب آسیا می‌توان دریافت که رژیم‌های

1. Pillar

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-17]

تمامیت‌خواه در شکل‌های گوناگون (پادشاهی یا جمهوری‌های مادام‌العمر)بقای نظام سیاسی خود را بر اساس مؤلفه‌های مورثی یا قبیله‌ای یا پشتوانه‌های خارجی قرار داده‌اند. خیزش‌های مردمی در کشورهای عربی به‌نوعی رو در رو قرار گرفتن مردم با رژیم‌های خودکامه و تأکید بر حاکمیت مردمی است. لذا در میان‌مدت و بلندمدت می‌توان شاهد تسلط الگوی مشروعیت سیاسی مردمی شد که تقویت‌کننده الگوی سیاسی در ج.ا.ایران و درنتیجه پایداری امنیت ملی ایران می‌شود(اینبر،۲۰۱۱: ٤٥)[1]. مردم‌سالاری شدن تدریجی سیاست در کشورهای غرب آسیا سبب اثرگذاری بیشتر ملاحظات مردم در حوزه‌های سیاست داخلی و خارجی می‌شود. همین امر سبب کاهش نفوذ بازیگران فرا منطقه در غرب آسیا خواهد شد (احمدیان،۱۳۹۱: معاونت پژوهش های سیاست خارجی).

موضوع اساسی بعدی برای امنیت ملی ج.ا.ایران درنتیجه تحولات کشورهای عربی، دگرگونی در ائتلاف‌های منطقه‌ای و شکل‌گیری تدریجی نوعی از ترتیبات سیاسی و امنیتی نوین در منطقه خواهد بود که در آن بازیگران محافظه‌کار و ضد ج.ا. ایران نقش کم‌رنگ‌تری را ایفا خواهند کرد. مانند آمریکا، رژیم صهیونیستی و عربستان سعودی نقشی ضعیف ایفا خواهند کرد.

با آغاز خیزش‌های مردمی در کشورهای عربی و فروپاشی یا دگرگونی جدی دستگاه حاکمه بدون پشتیبان مردمی ، حکومت با دولت‌های متفاوت به‌وجود آمدند (یاری،مارچ،۲۰۱۲).[2] در دیگر کشورهای غرب آسیا نیز وضعیت مشابهی به–وجود خواهد آمد و حتی دولت‌های محافظه‌کار عربی که از خیزش‌های مردمی در کوتاه‌مدت مصون بمانند در شرایط خاص قادر به تداوم رفتارهای گذشته خود نخواهند بود. هرچند آمریکا در مواجهه با خیزش‌های مردمی کشورهای عربی در پی مدیریت و مهار بحران‌ها و تضمین نفوذ منطقه‌ای خود بوده است، بااین‌حال ماهیت و سمت‌وسوی تحولات به‌گونه‌ای است که از پیامدهای راهبردی بلندمدت آن کاهش نفوذ و نقش منطقه‌ای امریکا در منطقه محسوب می‌شود(دابلیو.فریمن،۲۰۱۱).[3] راهبرد آمریکا در غرب آسیا تاکنون بر اساس سلطه‌گری و اتحاد با حکومت‌های محافظه–کار و قبیله‌ایی بوده است، اما در حالی که محور محافظه‌کار رو به اضمحلال،تضعیف و

1. Inbar
2. yaari
3. W.Freeman

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-17]

محدودیت‌های خاص هست، آمریکا با کاهش نفوذ و نقش‌آفرینی مواجهه خواهد شد. هرچند آمریکا سعی دارد با تقویت روابط خود با رهبران جدید و همچنین حفظ وضعیت‌گذشته موجود مانند مصر همچنان نفوذ خود در منطقه را حفظ نماید(لینچ،۲۰۱۱: ۳۵).[1] لذا با مردمی محوری در غرب آسیا و افزایش سرعت سیاست‌های استقلال طلبانه کشورها و ظهور غرب آسیای مستقل‌تر نفوذ ایالات متحده بر رخدادهای منطقه‌ای کاهش خواهد یافت. درنتیجه تهدیدات امنیتی معطوف به ایران در پیامد سیاست‌ها و اقدامات ایالات متحده در منطقه تا حد قابل‌توجهی تعدیل خواهد شد.حکومت قبیله‌ایی عربستان(آل سعود) نیز در مقابل محور مقاومت شامل جمهوری اسلامی ایران، سوریه و گروه‌های مقاومت نقش‌آفرینی می‌کرد و تهدیدات امنیتی مهمی را برای کشور ایجاد نموده است. این کشور که از خیزش‌های کشورهای عربی نگرانی‌های جدی را احساس می‌کند درصدد ایجاد ائتلاف نوینی متشکل از کشورهای دست‌نشانده و پادشاهی خواهان حفظ وضع موجود برای مقابله با پیروزی‌های محور مقاومت به رهبری ج.ا.ایران در منطقهغرب آسیا است(سی.جونز[2]،آپریل۱۵،۲۰۱۱: ۲). بر این اساس عربستان سعودی به‌تدریج از جایگاه گذشته و تا حدودی کنونی خویش فاصله خواهد گرفت و با رویارویی با بحران‌های درونی و بیرونی تاثیر کمتری خواهد داشت. این امر به معنی کاستن از چالش‌های ملی و فراملی ج.ا. اسلامی ایران و بهبود روابط ج.ا. ایران با بحرین،قطر و یمن در آینده خواهد شد.

تهدیدهای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

محوربندی‌های جدید

خیزش‌های مردمی، ائتلاف‌های منطقه‌ای گذشته از جمله محور موسوم به محور محافظه‌کار را دگرگون ساخته و محورهای جدید منطقه‌ای در حال شدن است؛ بر این اساس در خاورمیانهٔ آینده می‌توان ائتلاف‌های منطقه‌ای متفاوت و جدیدی را شاهد بود. اولین محوری که در حال شکل‌گیری است، ائتلاف نوینی با مرکزیت شورای همکاری خلیج فارس است که دو کشور اردن و مراکش را نیز در برمی‌گیرد. یکی از ویژگی‌های مهم این محور در سیاست خارجی و منطقه‌ای و تعلق خاطر به غرب است. ویژگی دوم این محور، محافظه‌کار

1. Lynch
2. c.jones

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-17]

بودن رژیم‌های عضو به استثنای قطر(رویکردها و سیاست–های خاص خود را دارد) است. این کشورها حاضر به سرمایه‌گذاری مادی و حمایت در بسیاری از حوزه‌های رقابت منطقه‌ای هستند، با این حال تمایلی به مشارکت و رویارویی مستقیم ندارند. یکی دیگر از ویژگی‌های این رژیم‌ها آن است که هیچ سابقه‌ای در برخورد مستقیم یا غیرمستقیم با رژیم صهیونیستی ندارند و به رغم برخی موضع‌گیری‌ها و اظهارات، هیچ‌گاه وارد برخورد مستقیم با این رژیم یا حمایت از گروه‌هایی که برخورد مستقیمی با رژیم صهیونیستی دارند، نمی‌شوند. ویژگی چهارم ائتلاف مورد اشاره این است که این رژیم‌های محافظه‌کار و سنتی، تلاش می‌کنند تا تعریف جدیدی از دموکراسی ارائه دهند. در این رویکرد به دموکراسی، بیشتر بر مفهوم آزادی بیان تأکید می‌شود، با این حال این نوع آزادی نیز تعریف محدودی دارد. به عنوان نمونه در عربستان سعودی، آزادی بیان به اظهارات مربوط به سایر کشورها معطوف است و مسائل داخلی و به خصوص حوزه پادشاه نباید مورد پرسش واقع شود. ویژگی پنجم اعضای این ائتلاف آن است که در جهت سقوط نظام‌های سیاسی و وضع موجود تلاش نمی‌کنند. تنها استثنا در این خصوص سوریه است و نوع رویکردهای مربوط به سوریه نیز عمدتاً از رقابت‌های عربستان سعودی با سایر بازیگران منطقه‌ای، به خصوص ایران و عراق، ناشی می‌شود.

محور دوم در حال شکل‌گیری در منطقه شامل مجموعهٔ کشورهای دچار تحولی است که با توجه به نوعی شرایط و سرنوشت مشابه، نوعی هم‌اندیشی و هم‌گرایی در بین آنها وجود دارد. این محور شامل کشورهای مختلف است و با چالش‌ها و مسائل متعدد نیز روبروست. در این محور سوریه با مناقشات و درگیری‌های جدی داخلی به همراه مداخلات خارجی مواجه است که نقش این کشور را تضعیف می‌کند. تونس و مصر چالش‌های مهمی را پیش‌رو دارند که یکی از آنها مناقشه و رقابت زود هنگام لائیک‌ها و اسلام‌گراهاست. در محور کشورهای در حال تحول، مصر از جایگاه مرکزی و مهمی برخوردار است که از پیشینه تمدنی و توانمندی‌های سیاسی و همچنین موقعیت استراتژیک آن کشور ناشی می‌شود. مصر کشوری پیشتاز در تحولات کشورهای عربی از جمله مسائل اعراب و رژیم صهیونیستی محسوب می‌شود و در حال حاضر، تلاش می‌کند تا نوعی هویت مدنی جدید متعادل را خلق کند. این کشور می‌کوشد تا تعریف جدیدی از رابطه دموکراسی و اسلام غیرسنتی ارائه دهد

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-17]

و به کانون کشورهای این محور تبدیل شود. مصر در حال الگوسازی و ارائه الگوی جدیدی از روابط با آمریکا و رژیم صهیونیستی و به خصوص تشکیل جبهه جدیدی از ایستادگی یا ممانعت در کشورهای عربی است. البته محور دوم، با چالش‌های دیگری مانند چالش‌های اقتصادی نیز مواجه خواهد شد(مرکزمطالعات استراتژیک،۱۳۹۵).

تشدید مناقشه‌های درون منطقه‌ای

واحدهای مهم منطقه و جهان اسلام مانند ایران، ترکیه و عربستان که در خیزش‌های مردمی، نقشی تاثیرگذار دارند. روابط ایران و عربستان، به دلایلی همچون هسته‌ای شدن ایران و نقش نیابتی این دو کشور در تحولات عراق(فری من[1]،۲۰۱۱: ۸۷) چندان مناسب نبوده، ولی قیام‌های مردمی در شرق عربستان، بحرین و یمن و تصور محور محافظه کارعربی از نفوذ ج.ا. ایران و پشتیبانی از شیعیان و مخالفان به قیام علیه حکومت‌های محافظه‌کار عربی، سبب تشدید اختلاف با ایران شد؛ همین عوامل سبب شد عربستان سعودی و محورمحافظه‌کار موضعی تقابلی در قبال ج.ا.ایران و متحدانش در پیش گیرند. تلاش برای سقوط دولت شیعی به رهبری نوری المالکی در عراق، تشدید اختلافات مذهبی در کنار حمایت از جریان‌های تکفیری در سوریه ، از اقدامات مهم محور محافظه‌کار عربی به رهبری عربستان است که آثار مستقیم و منفی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی دارد(دهقانی فیروزآبادی و فرازی، ۱۳۹۱: ۱۸۱).از سوی دیگر، ترکیه به عنوان قدرتی در حال ظهور در منطقه، به نقش آفرینی فعال در مسائل منطقه می‌پردازد. ناخشنودی رهبران ایران از استقبال محور محافظه کار از الگوی سیاسی سکولار ترکیه در مقابل الگوی ج.ا.ایران را نمی‌توان کتمان کرد. همچنین رویکرد و سیاست‌های متفاوت ترکیه و ایران در بحران سوریه امنیت ملی ج.ا. ایران بیش از گذشته در معرض خطر قرار می‌گیرد(اکتاو[2]،۲۰۱۱: ۸).

بر هم خوردن توازن قدرت در منطقه

تحولات منطقه‌ای و در پی آن، سقوط رهبران و تغییر ساختارهای سیاسی در کشورهای لیبی و مصر از یکسو، هراس برخی از رهبران منطقه از نزدیکی زیاد به آمریکا و سایر متحدان

1. Freeman
2. Oktav

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-17]

خارجی، و کاهش میزان مشروعیت و پایگاه مردمی دولت محافظه کار منطقه از سوی دیگر، در نهایت به تغییر موازنه قوا در غرب آسیا منجر شده است. این امر به دلیل ناتوانی در بسیج منابع داخلی و بی‌اعتمادی روانی به اتحادها و ائتلاف‌های خارجی صورت گرفت. به اعتقاد بسیاری از کارشناسان غرب آسیا، در شرایط متغیر موازنه قدرت، معادلات قدرت به نفع ایران و ترکیه تغییر یافته است. البته شرایط پیچیده سیاسی و امنیتی پیش روی ایران، به دلیل اجرای برنامه هسته‌ای این کشور استفاده از این فرصت‌ها را دشوار کرده است(ایوب[1]،۲۰۱۱: ۱۹٤).

راهبرد ج. ا. ایران در قبال بازیگران اصلی

جمهوری اسلامی ایران باید با توجه به الگوی جدید دخالت‌های آمریکا در غرب آسیا راهبردهای سیاسی- امنیتی و اقتصادی خود را سامان دهد. . این امر مستلزم مدیریت تحول هنجاری، به شکل پویا، منعطف و شبکه ای، چهره سازی و ایجاد مقبولیت، اعتمادسازی و قابل پیش بینی بودن، حساسیت زدایی و اقناع بازیگران اصلی منطقه ای و بین المللی، ایفای نقش نمونه ساز و شکل دهنده منطقه ای و تقویت دستگاه دیپلماسی حرفه ای است. (واعظی، ۱۳۸۷). افزون بر این، جمهوری اسلامی ایران نیاز به اولویت‌بندی در اهداف و نوع پرداخت به آنان دارد. جمهوری اسلامی ایران شایسته است تا بر مبنای منافع خود در روندهای بین‌المللی شرکت و به تعیین دستور کار در نشستهای بین المللی بپردازد(اردم،۱۳۹۳). همزمان با نقش آفرینی بین المللی و اتخاذ سیاست بیطرفی فعال در قبال قدرت‌های بین المللی ، جمهوری اسلامی ایران شایسته است در عرصه منطقه ای با توجه به رقابت سه ژئوپلیتیک تشیع(به رهبری ایران)، سلفی (به رهبری عربستان سعودی) و اخوانی (به رهبری ترکیه)، راهبرد «موازنه سه بعدی قدرت» را مورد توجه قرار دهد تا از بروز خلا قدرت در غرب آسیا جلوگیری نماید (محمدرضا دهشیری، مجتبی غفوری،۱۳۹٤). جمهوری اسلامی ایران می‌تواند در چند حوزه فعالیت‌های خود را متمرکز سازد: نخست، تأکید بر طرح مردم‌سالاری دینی به عنوان یک الگوی منطبق با ارزش‌های و هنجارهای منطقه‌ای؛ دوم، تلاش در جهت گسترش همکاری‌های سیاسی، اقتصادی و امنیتی با کشورهای مهم منطقه به منظور کاهش میزان دخالت نیروهای بیرونی در فرآیند ایجاد نظم منطقه‌ای. اصلاح ساختارهای اقتصادی و

1. Ayoob

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-17]

پاسخ به تقاضاهای فزاینده خیل عظیم جمعیت جوان و جویای کار در منطقه از طریق کمک به بازارها و اتحادیه اقتصادی منطقه‌ای از ضروری‌ترین زمینه‌های گسترش همکاری‌های منطقه‌ای است.(واعظی،۱۳۸٤)، سوم، جلوگیری از بروز هرگونه ائتلافی میان ترکیه و عربستان ، چهارم، تلاش برای یافتن راه حلی سیاسی برای بحران سوریه و ممانعت از طولانی شدن آن و نیز جلوگیری از شدت گیری منازعات مذهبی و فرقه ای در منطقه، و پنجم، ارتقای همکاری های اقتصادی با چین و تسری آن به حوزه های فرهنگی و نظامی. (یزدان پناه و جانفشان،۱۳۹۲)

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-17]

نتیجه

غرب آسیا یکی از مناطق پر تب و تاب سیاسی در جهان است. علت این امر را در نگاه کلی می‌توان سابقه تاریخی، حضور و نفوذ استعماری و امپریالیستی، ساختار معیوب سیاسی و اجتماعی، وجود منابع استراتژیک در منطقه و در نهایت، فقر اقتصادی، فرهنگی و شکاف‌های متعدد قومی و دینی دانست. این منطقه در چند سال اخیر شاهد خیزش‌های فراگیر مردمی و اعتراضات گسترده‌ای بوده که تاکنون در این کشورها نظیر نداشته است. تحولات کشورهای عربی با مولفه‌های مشترک و خاص هر حوزه تهدیدات و فرصت‌های مختلفی را برای امنیت ملی ج.ا.ایران در بردارد. این تحولات تهدیدات کوتاه‌مدتی را برای کشور ایجاد می‌کنند که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از : بی‌ثباتی‌ها و ناامنی‌های خاص دوره گذار این کشورها از حکومت‌های گذشته به ساختارهای جدید که ازجمله باعث برخی تنش‌های فرقه‌ای می‌شود که می‌تواند پیامدها ی امنیتی برای ایران در پی داشته باشد؛ تلاش کشورهای رقیب و متخاصم ایران برای ایجاد بحران‌های جدیدی که منافع و توانمندی منطقه‌ای کشور را مورد هدف قرار می‌دهد که ازجمله در سوریه، لبنان و فلسطین احتمال وقوع آن وجود دارد؛ پیامدهای تحولات سوریه و سیاست‌گذاری رقبای ایران در خصوص بحران سوریه و تلاش برای تغییر حکومت یا تغییر رفتار سوریه که در صورت وقوع به گسست در محور مقاومت در منطقه منجر می‌شود؛ نفوذ بازیگران فرا منطقه‌ای و رقبای منطقه‌ای در کشورهای دچار بحران برای مدیریت تحولات و ایجاد تهدیداتی برای امنیت ملی ایران با توجه به شرایط خاص گذار به‌نظام های سیاسی و ضعف احتمالی دولت‌های مرکزی که فضایی را برای نفوذ خارجی ایجاد می‌کند. اما گذشته از تهدیدات امنیتی که عمدتاً کوتاه‌مدت محسوب می‌شوند، تحولات کشورهای عربی فرصت‌های بلندمدت مهمی را برای امنیت ملی ج.ا.ایران دارند که ازجمله مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از : برجسته شدن الگوی مردم‌سالار در منطقه غرب آسیا که در تقویت جایگاه ج.ا. ایران نقش خواهد شد و الگوهای سلفی- وهابی‌گری را به چالش می‌کشد؛ شکل‌گیری نظام‌های سیاسی مردمی در سطح منطقه که باعث بروز سیاست خارجی بومی و مستقل‌تر از سوی کشورهای منطقه می‌شود و معضل امنیتی رویارویی ایران با حکومت‌های محافظه‌کار متحد غرب در منطقه را تعدیل خواهد کرد؛ دگرگونی در ترتیبات سیاسی- امنیتی منطقه‌ای به‌گونه‌ای که در بلندمدت نقش بازیگران رقیب و متخاصم

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-17]

ج.ا.ایران ازجمله آمریکا، حکومت اسراییل و عربستان سعودی کم‌رنگ‌تر خواهد شد و با ظهور دولت‌های مستقل‌تر در منطقه ترتیبات سیاسی- امنیتی بومی و متوازنی شکل خواهد گرفت که به نحو بهتری منافع امنیتی ایران را تأمین خواهد کرد.خیزش‌های مردمی در غرب آسیا از بعد تاثیرگذاری بر امنیت ملی ج.ا.ایران حائز اهمیت زیادی است. سقوط حکومت‌های خودکامه در منطقه می‌تواند باعث روی کار آمدن حکومت‌های‌مردمی و گسترش مناسبات با ج.ا.ایران و تضعیف رقبای منطقه‌ای ایران و همچنین کاهش نفوذ قدرت‌های فرامنطقه‌ای در منطقه شود. اما از سوی دیگر موجب تهدیداتی هم برای ج.ا. ایران است که از جمله آن ایجاد موج ایران‌هراسی و شیعه هراسی در منطقه را می-توان نام برد. آثار مثبت و منفی بیداری اسلامی بر امنیت ملی ج.ا.ایران و ایجاد شناخت و بسترهای فرصت‌ساز در حوزه عملیاتی از سوی مسئولین، پیشگیری از بسترهای تهدیدافزا و فشارهای مختلف امنیتی بر کشور، لزوم استفاده بهینه از آنها را دو چندان می‌کند.ایران در محیط پیرامونی خود با چالش‌های امنیتی متعددی روبرو است که به صورت دایمی و به واسطه چالش‌ها و روندهای منطقه‌ای باز تولید می‌شود. جمهوری اسلامی ایران در موقعیت ژئوپلیتیکی واقع شده است که هیچ گونه ترتیبات امنیتی پایدار و توافق شده در آن وجود ندارد. به رغم پیشرفت نظام‌های امنیت منطقه‌ای در سراسر جهان به ویژه بعد از پایان جنگ سرد و در چارچوب تحولات جهانی شدن، هنوز منطقه پیرامونی ایران فاقد ترتیبات امنیتی نهادینه شده است. تروریسم، افراط‌گرایی، تنش‌های قومی مذهبی، جرایم سازمان یافته، دولت‌های ضعیف و مداخلات قدرت‌های فرامنطقه‌ای از جمله چالش‌ها و موانع امنیتی عمده‌ای است که ایران در پیرامون خود با آنها روبروست.

.پیشنهادها:

جمهوری اسلامی ایران شایسته است رویکردهای سلبی و ایجابی زیر را جهت اقدامات راهبردی خود در منطقه غرب آسیا به طور همرمان انجام دهد:

- مقابله با منزوی سازی و محدودسازی ایران از طریق افزایش تعامل و مشارکت فعال در کلیه سازوکارها و سازما نهای منطقه ای با استفاده از دیپلماسی دو و چندجانبه؛

- نهادسازی منطقه ای از طریق ایجاد سازمانها و سازوکارهای چندجانبه منطقه ای جدید از طریق تعامل و تأثیرگذاری بر سیاست خارجی سایر بازیگران منطقه با به کارگیری دیپلماسی فعال دو و چندجانبه؛

فصلنامه علمی -پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-17]

– ممانعت از امنیتی شدن جمهوری اسلامی ایران از طریق اعتمادسازی و شفافیت در سیاست خارجی با به کارگیری دیپلماسی فعال و چندجانبه در سازما نها و سازوکارهای منطقه ای؛

– ارتقای مشروعیت منطقه ای جمهوری اسلامی ایران از طریق هنجارسازی و افزایش قدرت چانه زنی ایران در سازمان ها و سازوکارهای چندجانبه؛

–پیشگیری از منازعات و بحران های منطقه ای از طریق نظارت بر تحولات منطقه با استفاده از موقعیت حضور در سازمانها و سازوکارهای چندجانبه منطقه ای؛

–اعتمادسازی جمعی از طریق ایجاد و افزایش اعتماد و اقبال کشورهای منطقه به سازما ن ها و سازوکارهای چندجانبه منطقه ای از طریق تعامل و هماهنگی با به کارگیری دیپلماسی شفاف و واقع گرایانه؛

–تعامل گسترده و عضویت در کلیه سازمان ها و سازوکارهای چندجانبه منطقه ای از طریق اعتمادسازی و تعامل سازنده با کشورهای منطقه با استفاده از موقعیت (ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک و ژئوکالچر

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-17]

منابع

- احمدیان، حسن(۱۳۹۰)، چشم‌انداز تغییر حکومت در یمن؛ چالش‌ها و پیامدها، گزارش راهبردی شماره ۳۵۵معاونت پژوهش های سیاست خارجی مرکز تحقیقات استراتژیک، فروردین.
- اختیاری‌امیری،رضا(۱۳۹۷). "تاثیر شکنندگی دولت سوریه در تغییر تعاملات امنیتی خاورمیانه" زمستان، *پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*، سال۷، ش۳،صص ۱۸۸-۱۵۵.
- علی پور ،جواد ، قیطاسی، سجاد(۱۳۹٦).در مقاله "می‌نویسدکه "آینده پژوهی بحران سیاسی- امنیتی سوریه بر پایه سناریو نویسی" زمستان، *پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*،سال٦،ش٤، صص ۲٦۳-۲۳۳
- رضای اسکندری، داود(۱۳۸٤) ، "تحول مفهوم دولت در نظریه های روابط بین الملل"، بهار ، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، شماره اول، مسلسل ۲۷: ص ۱۰٦-۱۳٤.
- سنایی، اردشیر(۱۳۹۰)، "چارچوبی تحلیلی برای بررسی روابط ترکیه و اسرائیل پس از به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه۲۰۱۰-۲۰۰۱"، پاییز، *فصلنامه علوم سیاسی و روابط بین الملل*، سال ٤،شماره ۱٦: ۱۵۱.
- موسوی،سیدمحمد(۱۳۹۷). "واقع گرایی ساختاری و جایگاه سوریه در سیاست های منطقه ای ایران و روسیه"زمستان، *پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*،سال۷،ش۳، صص ۱۳۰-۹۱.
- نوریان، اردشیر (۱۳۸۸)،"منازعه و همکاری در روابط بیم الملل: نقش قدرت در حفظ صلح و امنیت جهانی"، بهار ، *فصلنامه سیاست خارجی*، سال ۲۳،شماره یکم: ص ۲۳۱-۲٦٤

-ابراهیمی،نبی الله(۱۳۹۰)،" تأثیر شبکه های اجتماعی و کانال های ماهواره ای در وقوع و تکوین انقلاب های عربی"،*مطالعات راهبردی*،تابستان ،شماره دوم.

-احمد ساعی و مجید معصومی (۱۳۹۰)، " تاثیر تروریسم بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران"، *فصلنامه سیاست دانشگاه تهران*، شماره۲، تابستان ص ۱٦٤.

-اصغر جعفری ولدانی(۱۳۸۷)، *ایران و مصر: چالش‌ها و فرصت‌ها*، تهران: مرز فکر.

-اغصان، علی رحیق (۱۳۸٤). *دانش نامه در علم سیاست*. تهران، انتشارات صبا.

-آقا بخشی ، علی (۱۳۸۳)، *فرهنگ علوم سیاسی* ، تهران، انتشارات چاپار.

-برزگر، کیهان،(۱۳۹۰)،" *انقلاب های عربی و تغییرات ژئوپلیتیک منطقه ای*"، همایش"اسلام و تحولات ژئوپلیتیکی غرب آسیا و شمال آفریقا"، اسفند.

-برنابلداچی، سیروس(۱۳۸۵) ،"هلال شیعی و ژئوپلیتیک غرب آسیا"، *پگاه حوزه*،،شماره ۱۹۲.

-بهزادی، حمید (۱۳۸٤). *اصول روابط بین‌الملل و سیاست خارجی*. تهران: انتشارات دهخدا.

-جعفری ولدانی، اصغر(۱۳۸۷)، *ایران ومصر: چالش‌ها و فرصت‌ها*، تهران: مرزفکر.

-حاجی‌یوسفی، امیرمحمد (۱۳۸۱)، نظریه والتز و سیاست خارجی ایران؛ مطالعه مقایسه‌ای دوران جنگ سرد و پسا جنگ سرد، *فصلنامه سیاست خارجی*، سال شانزدهم، شماره ٤.

-خوشوقت، محمد حسین (۱۳۸۸). *تجزیه و تحلیل تصمیم گیری در سیاست خارجی*، تهران، نشر وزرات امورخارجه.

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-17]

- داود اغلو، احمد (۱۳۹۱). *عمق راهبردی*، ترجمه محمد حسین نوحی نژاد ممقانی، تهران، نشر امیرکبیر.
- دهشیری،محمدرضا؛غفوری،مجتبی(۱۳۹٤). الزامات راهبردی جمهوری اسلامی ایران در قبال سیاست های غرب آسیا ای جدید آمریکا، *سیاست‌های راهبردی و کلان*،دوره ۳، شماره ۱۲، زمستان،ص۲۳.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۸۵)، تحول نظریه‌های منازعه و همکاری در روابط بین‌الملل، *فصلنامه پژوهش حقوق وسیاست*، سال پنجم، شماره۸
- ربیعی، علی (۱۳۸۷)، *مطالعات امنیت ملی (مقدمه ای بر نظریه های امنیت ملی در جهان سوم)*، تهران ، وزارت امورخارجه.
-ربیعی، علی (۱۳۸۷)، *مطالعات امنیت ملی (مقدمه ای بر نظریه های امنیت ملی در جهان سوم)*، تهران ، وزارت امورخارجه.
- زین العابدین،یوسف(۱۳۸٦)،" منافع ملی ایران ژئوپلتیک نوین شیعه"، *شیعه شناسی*، پاییز، شماره ۱۹
- شیهان ، مایکل (۱۳۸۸)، *امنیت بین‌الملل، ترجمه: سیدجلال دهقانی فیروزآبادی*، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- صالحی، جواد(۱۳۹۱) معادله صفر و یک، کتابخانه مجلس شورای اسلامی (منبع سی دی نمایه) منتشر شده در شماره ۱٤۱ *هفته نامه آسمان*. تاریخ مراجعه به کتابخانه تابستان ۱۳۹۲.
- *صحیفه امام*، ج ۱۷، ۱۸،۱۸،۲۱.
-عبداله خانی، علی(۱۳۸۹). *نظریه‌های امنیت*، تهران، نشر ابرار معاصر تهران.
- عزتی، عزت الله ،*"تحولات ژئوپلیتیک قرن ۲۱ و جایگاه ایران در آن"*، ژئوپلیتیک، ویژه نامهٔ دومین کنگره انجمن ژئوپلیتیک ایران، زمستان۱۳۸٤.
- علی امیدی، فاطمه رضایی(۱۳۹۰)، "عثمانی گرایی جدید در سیاست خارجی ترکیه شاخص ها و پیامد های آن در غرب آسیا"، پاییز، *فصلنامه روابط خارجی*، سال سوم، شماره سوم: ص۲۳۱-۲٦۷
- علی بابایی، غلام رضا(۱۳۸۵). *فرهنگ روابط بین الملل*، تهران، انتشارت وزارت امورخارجه.
- فاضلی نیا، نفیسه(۱۳۸۵) ،"علل نگرانی غرب از انقلاب اسلامی (با تأکید بر عنصر ژئوپلیتیک شیعه)" *علوم سیاسی*، زمستان ،شماره ۳٦.
- گریفیتیس، مارتین(۱۳۹۰). *دانشنامه روابط بین الملل و سیاست جهان*، ترجمه علیرضا طیب، تهران، نشر نی
- لی نورجی مارتین(۱۳۸۳)، *رهیافتی جامع برای مطالعه امنیت ملی در غرب آسیا، در لی نورجی .مارتین، چهره جدید امنیت در غرب آسیا* ؛ ترجمه قدیر نصری، تهران: پژوهشکده مطالعات. راهبردی.
- لی نورجی مارتین(۱۳۸٤)، *رهیافتی جامع برای مطالعه امنیت ملی در غرب آسیا، در لی نورجی .مارتین، چهره جدید امنیت در غرب آسیا* ؛ ترجمه قدیر نصری، تهران: پژوهشکده مطالعات. راهبردی.
- لینکلیتر، آندرو (۱۳۸۵). نو واقع گرایی ، *نظریه انتقادی و مکتب برسازی*، ترجمه علیرضا طیب، تهران، نشر وزرات امورخارجه.
- لینکلیتر، آندرو (۱۳۸۹). *آرمان گرائی و واقع گرائی، ترجمه لی لا سازگار*، تهران، نشر وزرات امورخارجه.

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-17]

- لینکلیتر، آندرو (۱۳۸۹). *ماهیت و هدف نظریه روابط بین الملل، ترجمه لی لا سازگار*، تهران، نشر وزرات امورخارجه.
- مارتین، لی .جی(۱۳۹۰). *چهره جدید غرب آسیا، ترجمه قدیر نصری*، تهران، نشر دانشگاه امام صادق (ع)
- محمدی، یدالله(۱۳۷۰)، " همگرایی و سیر تطور و تکامل آن "، *فصلنامه مصباح*، دوره ۱۲: ۵۸.
- معین الدینی، جواد(۱۳۸۵)، "دگرگونی ژئوپلیتیک غرب آسیا و امنیت خلیج فارس"، *اطلاعات سیاسی -اقتصادی*، خرداد و تیر ، شماره ۲۲۵ و ۲۲۶.
- منصوری مقدم، جهانشیر " تحلیلی بر سیاست خارجی ج.ا.ایران در دوره ریاست جمهوری محمود احمدی‌نژاد از منظر مدل پیوستگی جیمز روزنا "، ۱۳۹۱، *فصلنامه سیاست*، دوره ٤١ ، شماره ۱.
-مورگنتا، هانس.جی (۱۳۸۵).*سیاست میان ملت‌ها* ، ترجمه حمیرا مشیرزاده، تهران، دفتر مطالعات سیاسی بین‌المللی
- نوریان، اردشیر (۱۳۸۸)، "منازعه و همکاری در روابط بیم الملل: نقش قدرت در حفظ صلح و امنیت جهانی"، بهار، *فصلنامه سیاست خارجی*، سال ۲۳،شماره یکم: ص ۲۳۱-۲٦٤
- نوریان، اردشیر (۱۳۸۸)،"منازعه و همکاری در روابط بیم الملل: نقش قدرت در حفظ صلح و امنیت جهانی"، بهار ، *فصلنامه سیاست خارجی*، سال ۲۳،شماره یکم: ص ۲۳۱-۲٦٤
- ولایتی، علی‌اکبر(۱۳۸۳) ، "*مصاحبه*"، همشهری دیپلماتیک- ۲۰۰٤ Oct – شماره ۲۸ – ۱٦ آبان.
- هنری کسینجر: *تغییرات دمکراتیک در بحرین به نفع آمریکا نیست* (۱۳۹۰/۳/۱٦)، در :
- هی وود، اندرو(۱۳۸۸). *درآمدی بر ایدئولوژی های سیاسی*، ترجمه محمد رفیعی مهرآبادی، تهران، نشر وزرات امورخارجه.
- هیل، کریستوفر (۱۳۸۷)، *ماهیت متحول سیاست خارجی، ترجمه: علیرضا طیب و وحید بزرگی*، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- هینه بوش، ریموند (۱۳۹۰). *سیاست خارجی کشورهای غرب آسیا*، ترجمه رحمن قهرمان پور، تهران، نشر دانشگاه امام صادق (ع).
- Abdullah II, king, "Interview with Asharq Awsat", Asharq Al Awast, January 23 2005
- Alexis Arieff (2012). political transition in tunisia, analyst in african affairs, congressional research service
- Asef Bayat, (2009). Life as Politics: How Ordinary People Change the Middle East. Stanford: Stanford University Press,
- Avner yanio, allianve in auriel barun, ed the middle east in global strategy, boul – der, Co: westview press, 1987.
- Ayoob, Mohammad (2011), Beyond the Democratic wave: a Turko-Persian Future? Middle East Policy - Country Data Report for Tunisia (1996-2009), World Bank.
- Ayoob, Mohammad (2011). Beyond the Democratic wave: a Turko-Persian Future?

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-17]

Middle East Policy

- Blaydes, Lisa. (2011). Elections and Distributive Politics in Mubarak's Egypt, Cambridge university press.

- Chas W. Freeman, The Arab Reawakening: Strategic Implications, Middle East Policy Council, May 2011.

- Daniel Treisman, "Why Russia supports Syria's Assad", 2013. Available at: http://today.ucla.edu/portal/ut/PRN-russia-s-support-for-assadregime-228392.aspx. This op-ed was originally published Feb. 2 on CNN.com.

- Dankwart Rustow , realignments in the middle east , foreign affairs 63 , no 3 , 1984 , p598.

- Dareieni, Ali Akbar (2011), Iran Leader: West Cannot Confiscate Arab Spring, Associated Press.

- De Lombaerde Philippe and Luk Van Langenhove (2005). Indicators of Regional Integration: Conceptual and Methodological Issues, IIIS Discussion Paper; No. 64, available at: http://www.cris.unu.edus, (accessed on 10/8/2011).

- Ehud Yaari, The Arab Revolutions: an Israeli perspective,(march 15, 2011). in:http://www.Washingtoninstitute.org/templateco5.php?cid=3328

- F. William Engdahl, "Egypt Color Revolution by CIA, MI6," Progressive Press, January 29, 2011, available at:

- Freedom House, "Freedom in the World – Tunisia (2010)" accessed in Jan 23, 2011.

- Freeman, Jr.Chas (2011). the Arab reawakening: Strategic Implications, Middle East Policy, spring

- Gasiorowski, M (2013)."The Government and Politics Middle East and North Africa", Westview Press.

- Gause, F. Gregory (2011)."Why Middle East studies missed the arab spring". Foreign affairs, July/ August.

- Gause, F. Gregory (2011)."Why Middle East studies missed the arab spring". Foreign affairs, July/ August.

- Ghannushi and Turabi, (1981). al harakat al-islamiyyah wa al-tahdith.

- Inbar, Efraim (2011), Israeil Defense: The Arab Uprising s Impact, Middle East Quarterly, winter.

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-17]

- Jaen-Pierre Filiu, (2011). “The Arab Revolution”, Hurst Company London
- Jaen-Pierre Filiu, (2011). “The Arab Revolution”, Hurst Company London.
- Marc Lynch, American and Egypt after the Uprising, Survival, vol.53, no.2, April-May 2011, pp.35-37.
- Martin, Griffiths) 1999). Fifty Key Thinkers in International Relation, London: Rout ledge.
- Meir Elran (2011); “The Civilian Front: From the Threat to the Response”, In Anat Kurz and Shlomo Brom, Editors (2011); Strategic Survey for Israel 2011, TelAviv: Institute for National Security Studies.
- Nordland, Rod & David D. Kirkpatrick (2011), Islamists Growing Sway Raises Questions For Libya, New York Times.
- Nordland, Rod & David D. Kirkpatrick (2011). Islamists Growing Sway Raises Questions For Libya, New York Times.
- Oktav, Ozdenzeynep (2011). The Gulf States and Iran: A Turkish Perspective, Middle East Policy Council, and Available at: http://www.mepc.org/journal/middle-east-policy-archives/gulf-St
- Popular Protests in North Africa and the Middle East (III): The Bahrain Revolt, Middle East/ North Africa Report 105 -6 April 2011, International Crisis Group. P.7.
- Popular Protests in North Africa and the Middle East (III): The Bahrain Revolt, Middle East/ North Africa Report 105 -6 April 2011, International Crisis Group. P.7.
- Roy, Olivier (2012).”Arab Society in Revolt”, Washington, Brookings.
- Toby c. jones, counterrevolution in the gulf, United States Institute of Peace, April 15 2011,p.2, in:www.usip.org.
- ttp://www.progressivepress.com/news/egypt-color-revolution-ciami6. And see: Henry Makow, “Egypt is Another Soros ‘Color’ Revolution,” January 29, 2011, available at:
- US invasion of Libya?,” RT channel, March 2, 2011, available at: http://rt.com/news/usinvasion-libya weapons/.

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۰۸۰۲۰۵

به این مقاله این‌گونه ارجاع دهید:

امیری، سروش (۱۳۹۷)، «مطالعه خطرات ژئوپلیتیک جهانی در سیاست‌ها و مدیریت اقتصادی نظام جمهوری اسلامی ایران» *فصلنامهٔ پژوهشهای سیاسی جهان اسلام*، س۸، ش۲، تابستان ۹۷، صص ۱۲۰– ۹۵.

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-17]